

اسباب اختلاف بین مسلمانان؛ بخش پنجم



اخبار غیر دقیق

حجة الاسلام و المسلمین دکتر احمد شفیعی نیا [1]

یکی دیگر از عوامل اختلاف میان مسلمانان اقدامات عملی است که پشتوانه آن اخبار نادرست و گفته‌های بی‌اساسی است که اگر مورد دقت قرار گیرد، چه بسیار تصمیم‌هایی که متوقف می‌شود و کارهایی که ادامه پیدا نخواهد کرد؛ از این‌رو دقت در صدور اخبار، مقدم بر هرگونه اقدامی است. از امیرالمؤمنین «علیه السلام» پرسیدند: «فاصله میان راست و دروغ چقدر است؟» فرمودند: «بَیْنَهُمَا مَقْدَارُ كَفِّ: بین آن دو به مقدار یک کف دست فاصله است». سپس آن حضرت این‌گونه عمل کردند: «وَضَعَ كَفَّهُ بَيْنَ اُذُنِهِ وَعَيْنِهِ، فَقَالَ: مَا رَأَيْتَ فَهُوَ الصِّدْقُ، وَمَا سَمِعْتَ فَهُوَ الكَذِبُ: دستشان را میان گوش و چشمشان قرار دادند و فرمودند: آنچه با چشمت دیدی صحیح است و آنچه شنیدی دروغ است؛» به همین دلیل برای دستیابی به درستی صدور روایات فرمودند: «اعقلوا الخیر اذا سمعتموه عقل رعاية لا عقل رواية؛ فان رواة العلم كثير،

وَرُءَاتَهُ قَلِيلٌ؛ هرگاه خبری را شنیدید، در آن دقت کنید و صرفاً آن را نقل نکنید؛ زیرا ناقلان اخبار بسیارند و دقت‌کنندگان در آن اندک».

محمد بن فضیل به امام رضا «علیه السلام» عرض کرد: «جُعِلْتُ فِدَاكَ، الرَّجُلُ مِنْ إِخْوَانِي يُبَدِّلُ عُنْدِي عَنْهُ الشَّيْءَ وَالَّذِي أُكْرَهُهُ، فَأَسْأَلُهُ عَنْ ذَلِكَ فَيُنْكِرُ ذَلِكَ، وَ قَدْ أَخْبَرَنِي عَنْهُ قَوْمٌ ثِقَاتٌ؛ فدایت شوم، از یکی از دوستانم به من اخباری می‌رسد که خوش نمی‌دارم وقتی از آن دوستم می‌پرسم [چنین چیزی را از تو برایم نقل کرده‌اند] آن را انکار می‌کند، در حالی که عده‌ای از افراد مورد وثوق این خبر را برایم آورده‌اند».

آن حضرت در پاسخ او فرمودند: «يَا مُحَمَّدٌ، كَذِّبَ سَمْعَكَ وَ بَصَرَكَ عَنْ أَخِيكَ؛ فَإِنْ شَهِدَ عِنْدَكَ خَمْسُونَ قَسَامَةً وَ قَالَ لَكَ قَوْلًا فَصَدَّقَهُ وَ كَذَّبَ بِهِمْ؛ لَا تُذْرِعَنَّ عَلَيْهِ شَيْئًا تُشِينُهُ بِهِ، وَ تَهْدِمُ بِهِ مَرْوَةَ تَهْتِكُونَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ فِي كِتَابِهِ: "إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ:" ای محمد، چشم و گوشت را راجع به آنچه علیه برادرت می‌گویند تکذیب کن. پس اگر پنجاه نفر نزد تو شهادت علیه او دادند و برادرت چیز دیگری می‌گفت، تمامی آن پنجاه نفر را تکذیب کن و او را تصدیق نما. آنچه آبروی او را می‌برد انجام مده که مبادا از کسانی شمرده شوی که خداوند دربار آنان می‌فرماید: کسانی که دوست دارند زشتی‌ها را به مؤمنان نسبت داده و اشاعه دهند، عذابی دردناک در انتظار آنان است».

امیرالمؤمنین «علیه السلام» در تبیین محدوده حق از باطل فرمودند: «الْبَاطِلُ أَنْ تَقُولَ سَمِعْتُ وَ الْحَقُّ أَنْ تَقُولَ رَأَيْتُ؛ باطل آن است که بگویی شنیدم و حق آن است که بگویی دیدم».

ابن ابی‌الحدید این کلام را این‌گونه شرح می‌دهد:

«هذا الكلام هو نهي عن التسرع إلى التصديق بما يقال من العيب والقبح في حق الإنسان المستور، الظاهر المشتهر بالصلاح والخير، وهو خلاصة قوله سبحانه: «إِنَّ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبِيٍّ فَتَّبِعُوهُ أَنْ تَصِيبُوا فَوْماً بِرَجْهَالَةٍ فَتُصِيبُوا عَلِيًّا مَا فَعَلْتُمْ» نادمین: این کلام درحقیقت نهی است از عجله کردن در تصدیق آنچه به عنوان عیب در حق انسان‌های طاهرالصلاح گفته می‌شود و خلاصه‌ای از این آیه است: اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، دربار آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب

برسانید و از کردن خود پشیمان شوید».

از این رو به خاطر اخبار غیر صحیح، برخی از مسلمانان به شیعیان نسبت داده اند که آنان مٌصحفی خاص خود داشته و آن را «المُصحف الشیعی» می نامند؛ در حالیکه شیعه خود در طول حیات خویش چنین موضوعی را ادعا نکرده است.

و یا به خاطر فهم نادرستی که از عقیده «بداء» نزد شیعه به آنان نقل یافته است، بداء شیعی را برگرفته از افکار یهود برشمرده اند، و آن را موجب تغییر در علم الهی و نسبت دادن جهل به خدا دانسته اند؛ در نتیجه شیعیان را متهم به کفر می کنند. در حالیکه بداء به معنای جهل و ناآگاهی در خداوند راه ندارد، و طبق روایات شیعه از هر کس که چنین سخنی را بگوید باید تبرّی جست. حقیقت بداء در نزد شیعیان به پایان رسیدن تاریخ چیزی است که خداوند از ابتدا آن را می دانسته است ولی به دلایلی از اعلان آن صرف نظر کرده است، لذا در ظاهر ادامه دار به نظر می رسیده است

[11] . معاون پژوهش و فن آوری دانشگاه مذاهب اسلامی